



www.javaan.net

نشریه اتحادیه جوانان سوسیالیست انقلابی ایران

شماره ۳۴ - سال چهارم - اسفند ۱۳۸۵

روز زن امسال را به سرآغاز مبارزات متحدانه تبدیل کنیم

سارا قاضی

صفحه ۲



انقلاب مداوم در ایران

پیشگفتار رفیق مازیار رازی به کتاب
انقلاب مداوم تروتسکی

صفحه ۸



فعالیت علنی

عابد توانچه

مقایسه جنبش دانشجویی ایران و یونان

نیما چراغی

صفحه ۷

اطلاعیه اعلام موجودیت «شورای همکاری تشکله‌ها و فعالین کارگری»

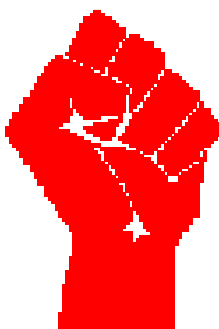
صفحه ۱۰



شبکه همبستگی کارگری

حمایت های جهانی از منصور
اسالو

صفحه ۱۰



بعد از نوشتن یادداشتی با عنوان « از انجام کارهای
علنی به صورت مخفی دست برداریم » هنگامی که
هیاهوی اولیه « انقلابیون تمام زیرزمینی! »
فروکش کرد با بسیاری از رفقای آشنا و نا آشنا
بحثهایی داشتم که اکثرا با موضوع « کار علنی »
انجام می گرفت. فضای حاکم بر این بحثها به شکل
عجیبی بستگی به این موضوع داشت که آیا طرف
بحث در داخل ایران به سر می برد یا در خارج

۱۰۱

روز زن امسال را به سرآغاز مبارزات متحدانه تبدیل کنیم

۸ مارس، روز زن امسال را به سرآغاز مبارزات متحدانه برای کسب حقوق دموکراتیک خود بر علیه جنایات و خشونت های دولت سرمایه داری نسبت به تمام اقشار تحت ستم اعم از زن و مرد تبدیل کنیم.

هرج و مرج دیوانه کننده ناشی از ستم:

۲۸ سال است که حاکمان جمهوری اسلامی از هیچ گونه جنایت و خشونت برای سرکوب حقوق دموکراتیک زنان ایران دریغ نکرده اند. اعمال قوانین وحشیانه ای مانند سنگسار زنان و دختران به حکم دادگاه به علتی مانند داشتن روابط "نامشروع" و دستگیری، زندانی و شکنجه آنان به علتی نظیر "بدحجابی"، نداشتن کوچکترین حقوق انسانی اولیه در مقابل نیروهای سرکوب دولت شامل توهین از جانب آنها تنها به دلیل زن بودن و یا در اردوگاه کار نظام سرمایه داری حاکم به علت تبعیض جنسی از بی حقوقی هر چه بیشتری آسیب دیدن، امروز تأثیرات مادی و روانی خود را بر جامعه ما گذاشته است. تأثیر اجتماعی نزدیک به سه دهه تحمل شدید خشونت های ممتد بر زنان در جامعه با تکیه بر تعصبات مذهبی و سنتی متداول، به همراه وجود ستم های طبقاتی اقتصادی بر اقشار تحت ستم اعم از زن و مرد، هرج و مرج، گنجی و بیماری های روانی بیشماری را در میان زن و مرد، کودک و جوان و پیر جامعه ما به وجود آورده است و تنها کسانی که از این وضعیت به طور مستقیم بهره می برند، طبقه حاکم و اقشار ممتاز وابسته به آن هستند.

فقر و گرسنگی مفرط خود و نظاره چهره پریشان کودکان با شکم خالی که ملتمسانه به بزرگترهای خانواده می

نگرند، سرانجام به فروش این کودکان انجامیده تا شاید شکم خالی همه افراد خانواده، لااقل برای مدتی هر چند کوتاه پر شود. دختران جوان برای کمک به آوردن لقمه نانی به سفره خانواده حاضر به تن فروشی شده و مادران، بخصوص زنانی که سرپرست خانواده هستند، با روسپی گری سعی در تأمین ابتدایی ترین نیاز انسانی خود و خانواده اشان می کنند.

در هرج و مرج و تضادهای اخلاقی ای که حکام بر جامعه تحمیل کرده، در کنار به فروش رساندن دختران نوجوان و تن به روسپی گری دادن زنان، باعث قتل های ناموسی صدها زن به دست مردان خانواده شده است.

از طرفی مردان نان آور خانواده، با سری افکنده، اخراج ها و بیکاری ها را تحمل کرده و فروپاشی ارزشی انسانی خود و خانواده اشان را نظاره می کنند. حتی شاغلین در جامعه ما از آسایش نسبی برخوردار نیستند، زیرا که حتی آنان نیز به جهت دریافت نکردن دستمزدهای خود، دانماً در تلاطم ناامنی های زندگی روزمره بسر می برند.

از طرف دیگر جوانان اقشاری از جامعه که اندکی بالای خط فقر زندگی می کنند، با ادامه تحصیل دادن، می کوشند تا شاید از این طریق بتوانند با چالش های دنیای امروز بهتر مبارزه کنند و امیدوارند که بتوانند خود و خانواده اشان را از درون منجلا ب اقتصادی ای که سیاستمداران طبقه حاکم بر آنان تحمیل کرده اند، بیرون بکشند. اما پس از فارغ التحصیلی است که متوجه می شوند که پس از این همه، تنها امتیازشان این است که به جرگه بیکاران "تحصیل کرده" یا با "مدرک" پیوسته اند.

این همه بحران های اجتماعی که انواع و اقسام دردها را با خود به همراه دارد، تنها ناشی از ستم اقتصادی است که طبقه حاکم برای حفظ خود و منافعش بر توده های تحت ستم پیاده کرده و در نتیجه، از جمعیتی حدود ۶۸ میلیون و ۵۰۰ هزار نفری که تقریباً نیمی از آن را زنان تشکیل می دهند، حدود ۲۶ درصد زنان و حدود ۱۵ درصد مردان دچار بیماری های روانی می باشند.

در شرایطی که به اذعان آمار رسمی کشور، ۱۰ میلیون بیکار وجود داشته و ۱۰ میلیون از جمعیت کشور زیر خط فقر و ۸ میلیون زیر خط فقر مطلق زندگی می کنند و خانواده هایی که تحت سرپرستی زنان بسر می برند، از فقیرترین فقرای ایران هستند، ناراحتی روحی یا افسردگی که سهل است، باید به قدرتشان غیبه خورد که بیش از این ها دیوانه نشده اند!

قدرت مقاومت ... و نیاز به انگیزه

اگر چه هر انسانی که در طول زندگی به طور مداوم تحت فشارهای غیرعادلانه عینی و واقعی قرار گرفته باشد، در مقطع/مقاطعی از این زمان ممکن است (با به احتمال قوی) دچار افسردگی بشود (یا می شود) و حتی در مواردی ممکن به خودکشی منجر شود، ولی در طبیعت انسان، این از جمله موارد استثنایی بشمار می آید.

اکثر انسان ها در برابر فشار، بخصوص فشارهای غیرطبیعی و غیرعادلانه، نه تنها خود را نمی بازند که بالقوه به نیروی مقاومتی شکست ناپذیری تبدیل می شوند، بالاخص اگر برای آن انگیزه داشته باشند.

سال ۱۳۸۵، نمونه سالی مملو از این مقاومت، با انگیزه دفاع از آن چه حق ابتدایی انسان می باشد، بوده و گویای شکست ناپذیری ذاتی است در جستجوی عدالت؛ عدالتی که در بهترین حالت خود می تواند تنظیم کننده روابط بین انسان ها و بین انسان با سایر عناصر طبیعت بوده و سلطه مبتنی بر منافع کنونی قشر ناچیزی از انسان را (که منجر به نابودی انسان های دیگر و طبیعت گشته است) به سیادت قشر پهنآوری تبدیل کند که منافع خود را در حفظ و رشد منافع انسان های دیگر و در ادامه سالم حیات عناصر موجود در طبیعت می بیند.

علاوه بر مبارزات روزانه تک تک زنان ما در خانواده، در کوچه و خیابان، در محل کار بر علیه فرهنگ زن ستیزی که در جامعه رواج داشته و به امری عادی

در آمده است، زنانی چند در دادگاه های رژیم با بیدادگری های دستگاه قضایی در مبارزه بوده اند. فراتر از این، زنان ما شکست ناپذیری خود را در تجمعات خود به مناسب روز زن در تهران، رشت و... به نمایش گذاشته و ضعف رژیم حاکم را با حمله وحشیانه عمالش به اثبات رساندند.

اهمیت مسئله اما در این جا است که مبارزات پی در پی زنان ما تنها به موارد آمده در بالا یا نمونه های مشابهی منتهی نشده و قدرت مقاومت آنان را می توان در مبارزات دموکراتیک دیگری هم جستجو کرد که نشانگر عمق مبارزه بسیار قدرتمندتری از مبارزات به اصطلاح فمینیستی است؛ مبارزاتی که از دل ستم طبقاتی برخاسته و زن و مرد و کوچک و بزرگ نمی شناسد. این مبارزات که خواه ناخواه انگیز برچیده شدن ستم انسان بر انسان را در دل می پروراند، اگر چه مورد حمله شدید و سرکوب بیرحمانه رژیم قرار می گیرد، ولی نیروی بالقوه آن نابودی نمی پذیرد و در شکل دیگر بیرون می زند.

برای مسائل به نمونه هایی چند از این مبارزات اشاره می کنیم. تنها در ماه خرداد گذشته:

۱- مبارزات گسترده در دفاع از زندانیان سیاسی. در این مبارزات زنان پا به پای مردان حضور داشته و آزادی زندانیان سیاسی را به موازات مبارزات رهایی بخش خود، قدمی به جلو می دیدند. در این مبارزات زنان و مردان ما به یک نسبت مورد حمله پلیس رژیم قرار گرفتند

۲- اعتراض دانشجویان دانشگاه ها به "پادگان" شدن دانشگاه ها در تهران و تبریز. در این مبارزات که در روزهای اول و دوم خرداد به اوج خود رسید، زنان جوان دانشجو همواره از پیشگامان آن بوده و در شورش ها و تحصن ها شرکت داشته و تا پایان ایستادگی کردند.

۳- ۱۴ خرداد، لباس شخصی ها به دانشکده حقوق حمله کرده و با فریاد "اینجا پادگان است" به دنبال یافتن دانشجویان تحت تعقیب افتادند. دانشجویان در اطراف دانشگاه به

مبارزه بلند شدند و با نیروهای پلیس به درگیر کشید.

۴- ۲۲ خرداد، تجمع زنان مبارز ما در میدان هفت تیر با سرکوب شدید پلیس زن و شلیک گاز اشک آور مواجه گردید. در این تجمع کانون دفاع از زنان و کودکان ایران شعار "کار، مسکن، آزادی" می دادند.

باز هم فراتر، این که مبارزات امسال زنان ما در حد دفاع از حقوق دموکراتیک زنان یا جوانان و دانشجویان ختم نشده و درخشش خود را در مبارزات زنان کارگر در طول مبارزات کارگری هم حفظ کرد. در اردیبهشت و خرداد گذشته:

۱- تظاهرات روز کارگر با شرکت زنان و مردان کارگر، نشانگر جبهه متحد ستمکشان در برابر ستمگران بود.

۲- آغاز مبارزات رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران. در این مبارزات که کماکان ادامه داشته است، همسران رانندگان مبارز، همواره قدرت، شجاعت، شهامت و استواری خود را در پشتیبانی از همسران دستگیر شده خویش به نمایش گذاشته و علیرغم تمام مشکلات مادی اشان که در این دوران صد برابر شد، در برابر رژیم کوچکترین ذره ای خم نشدند.

از انگیزه... به توان بالفعل

در جمع بندی از نکات بالا می توان گفت که زنان (مانند مردان) در هر جامعه ای وجه مشترک تمام طبقات و اقشار هستند. به عبارت دیگر هر قشر و طبقه ای در جامعه از زنان و مردان آن ساخته شده است. پس مبارزات زنان در دفاع از حقوق دموکراتیکشان در پیوند و به موازات با مبارزه برای دیگر حقوق دموکراتیک است. مبارزه بر علیه تبعیض جنسی و قوانین زن ستیز، ماهیتی مشابه با مبارزه برای "کار، مسکن، آزادی"، با مبارزه برای حقوق عقب افتاده کارگران، با حق آزادی بیان دانشجویان در دانشگاه و... دارد. در جامعه طبقاتی نظام سرمایه داری، تمام اقشار تحت ستم، دارای یک وجه مشترک هستند و آن "تحت ستم" بودنشان است. در جامعه طبقاتی نظام

سرمایه داری که دیکتاتوری و خفقان حاکم است، هرگونه مبارزه ای بر علیه این "ستم" با خشونت از طرف رژیم مواجه می شود. پس تمام اقشار "تحت ستم" در یک جبهه قرار می گیرند و عمل سرکوبگر رژیم در جبهه مقابل و برخورد رژیم در سرکوب همه آنها یکسان است. از این رو، منطق ایجاب می کند که این اقشار در هنگام مبارزه، متحدانه عمل کنند و در برابر رژیم سنگری بزرگتر و محکم تر بسازند.

در مبارزات دانشجویی و کارگری امسال، ما در نهایت شاهد پشتیبانی دانشجویان از کارگران و کارگران از دانشجویان بوده ایم: هنوز حرارت مراسم بالنده دانشجویی ۱۶ آذر با پشتیبانی کارگران ایران خودرو در وجود هیچ مبارزی انقلابی نخواهید است.



از این رو، روز ۸ مارس امسال، بهترین فرصت است برای یک اتحاد عمل بین کلیه نیروهای مترقی دانشجو و کارگر با زنان مبارز و پیشرو. برپایی تظاهراتی در دفاع از حقوق انسانی و دموکراتیک زنان با حضور کلیه کارگران پیشرو و مبارز (اعم از زن و مرد) و حضور کلیه دانشجویان پیشرو (اعم از زن و مرد) می تواند این روز را به روز مبارزه برای آزادی و دفاع از حقوق دموکراتیک کلیه اقشار جامعه از شهرهای بزرگ گرفته تا دورافتاده ترین مناطق کشور، تبدیل نماید. شعار برابری حقوق زن و مرد در برابر قانون

و در کلیه امور اجتماعی که در چنین تظاهراتی عنوان گردد، اولین شوک سیاسی را بر پیکر رژیم می زند. البته این که این شعارها بهتر است دقیقاً چه باشد را می توان به بحث گذاشت و نهایتاً تصمیم را خود برگزارکنندگان مراسم می گیرند.

ضربه ای که در چنین روزی و به این نحو به رژیم می خورد، روحیه کلیه اقشار تحت ستم را تحت تأثیر مثبتی قرار داده و از انگیزه به توانی بالفعل تبدیل می کند.

زنده باد تمام مبارزات رهایی بخش زنان

زنده باد تمام مبارزات اقشار تحت ستم
زنده باد اتحاد بین اقشار تحت ستم

سارا قاضی

۲۶ بهمن ۱۳۸۵



ادامه از صفحه ۱

فعالیت علنی

تعجب نکنید. در حالی که اکثر رفقای داخل ایران جدای از تمام گرایشات و اختلافات به بحث پیرامون نحوه ی کار علنی، تعیین مرزهای آن، ابزار و طرح های مورد نیاز و از همه مهمتر نحوه ی ارتباط آن با کارهای مخفی و فعالان غیر علنی مشغول بودند، رفقای خارج از کشور به یادآوری تجربه های گذشته، انتقال نگرانیهای رفقای سن و سال گذشته، نصیحت، معرفی کتاب، توضیح وضعیت گروه های چپ در خارج کشور و بحث بر سر حزب کمونیست کارگری مشغول بودند.

سعی اصلی من در این نوشته ی کوتاه این است که به بحثهای صورت گرفته با رفقای داخل کشور بپردازم اما مایلیم در ابتدا در رابطه با بحثهای رفقای خارج از کشور چند نکته را یاد آور شوم.

این دوستان باید توجه داشته باشند که وضعیت چپ در شرایط زمانی حاضر بسیار متفاوت از شرایط دوران فعالیت آنان است. هر چه باشد حداقل فعالیتهای نسل گذشته و تجربیات حاصل از عمل سیاسی این نسل، تغییراتی در نحوه تفکر و عمل نیروهای فعال فعلی به وجود آورده است. باید توجه داشت که اکنون ما در دهه ی ۵۰ و ۶۰ به سر نمی بریم. هیچ کس قصد آن را ندارد که اشتباهات گذشته را دوباره تکرار کند همچنان که مسلماً نسل بعد از ما هم اشتباهات نسل حاضر را به کنار خواهد نهاد و پیگیر تاکتیکهای صحیح و تجربیات موفق خواهد بود.

در مورد منابع مطالعاتی که خوشبختانه آثار کلاسیک و حتی غیر کلاسیک چپ گرچه به صورتهای غیر رسمی و غیر قانونی! اما به وفور در دسترس رفقا قرار دارد. انصافاً بازماندگان و معدود فعالان نسل گذشته هم از بذل هیچ لطفی در این زمینه کوتاهی نمی کنند. ترجمه هایی نیز که مدتی است توسط رفقای داخل و خارج از آثار ترجمه نشده و اکثراً جدید چپ در اختیار قرار می دهند به

ارتقا سطح فکری نسل جدید کمک زیادی کرده است.

صحبتها و بحثها در مورد وضعیت گروه های چپ خارج از کشور نیز مسلماً با در نظر گرفتن گرایش رادیکال این بحثها، می تواند روشن کننده ی بسیاری از مسائل موجود باشد. اهمیت شناخت نسل جدید چپ و فعالان داخلی از دسته بندی ها و موضع گیریها، چهار چوبهای گروهی و ماهیت و اهداف فعالان و گروه های چپ خارج از کشور به قدری واضح و ضروری است که نیاز به توضیح ندارد و به شخصه صمیمانه از توضیحاتی که به هر نحو در اختیار من و سایر رفقا قرار می گیرد تشکر می کنم. اما توضیحی اینجا در مورد منصور حکمت و حکمتیستها لازم است.

اول اینکه اگر مشکلی با کمونیست کارگری و حکمتیستها وجود دارد باید با خود این دو گروه حل شود و قرار نیست منصور حکمت جور این دو گروه را بکشد. دوم هم آنکه دوباره تاکید می کنم که منصور حکمت را یک نویسنده ی مارکسیست می دانم که مانند هر نویسنده ی مارکسیست دیگری باید آثارش را خواند و نقد کرد و مطالبش را به بحث گذاشت.

به دلیل مسائلی که خوشبختانه اکثر آنها در حال حاضر دیگر وجود ندارند در سالهای ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ تعدادی از رفقای چپ که معتقد بودند باید به تدریج کارها ی علنی و فعالیت های مستقل از گروه های راست نیز به حوزه ی عمل چپ اضافه شده و به تدریج مقدمات بالا رفتن پرچم مستقل چپ در دانشگاه و جامعه محیا شود، از سوی کسانی که در سالهای ۱۳۷۹ آغاز کننده ی دور جدید فعالیت های چپ در دانشگاه بودند مورد بی مهریهای قرار گرفتند و صحبتهایی درباره آنها به زبان آمد که گرچه امروز کاملاً در بین فعالان چپ دانشجویی و اکثریت مطلق تمامی چهره های حاضر در آن سالها این مسائل حل شده و همگرایی قوی ای بین رفقا به وجود آمده است اما متأسفانه گروه های راست دانشجویی و در صدر آنها گروه های هم مسلک امثال فخر آور اکنون از آن بی مهری ها و صحبتها علیه امنیت شخصی تک تک فعالان چپ دانشجویی استفاده

می کنند. یکی از این صحبتها ادعای ارتباط تشکیلاتی بین تعدادی از فعالان دانشجویی با حکمتیستها بود. همانطور که گفتیم اکنون به جز ۴ یا ۵ مهره ای که کماکان بر تعصبات و لجاجتهای بی مورد خود پا فشاری می کنند و اغراض شخصی و مشکلات خود با افراد را در مسایل فکری و سیاسی وارد می کنند، اکثریت مطلق فعالان چپ در حوزه ی دانشجویی [با هر گرایشی] اکنون به سطحی از بلوغ فکری ، درک سیاسی و درک از شرایط موجود در جامعه رسیده اند که مطمئنا تا مدتها شاهد تکرار این تجربه ی تلخ نخواهیم بود. اعتماد فعالان چپ دانشجویی نسبت به یکدیگر اکنون مثال زدن نیست و رفقا قصد ندارند اجازه دهند تا دعوای گروهی احزاب و فرق خارج از کشور امنیت و حاصل تلاش فعالان چپ را در ایران تحت الشعاع خود قرار دهد. دعوا بر سر « حزب کمونیست کارگری » و « حکمتیستها » مربوط به خود کسانی است که منافی در این دعوا و خط بندی دارند و نه کل جنبش چپ در ایران. علی الخصوص ما به شدت از مسائلی که بعد از کنفرانس برلین با ادعاهای تنورسین اصلاح طلبان دوم خردادی [و البته یکی از بنیانگذاران وزارت فحیمه ی اطلاعات] با تایید یکی از چهره های چپ ... به وجود آمده است، کناره گیری می کنیم. این مسائل ، مسائل اساسی چپ در ایران نیست. اگر تاکتیکیها برای رسیدن به هدف مشخص چپ روشن و طراحی شده بود و اگر عزمی راستین برای قوت گرفتن و قدرت گیری چپ وجود داشت هرگز سایه ی دعوای بچه گانه و حاشیه های بی ارزش بر سر جنبش چپ ایران سنگینی نمی کرد. گرچه در حال حاضر گروه های چپ در خارج از کشور بیشتر به محفل شباهت دارند تا حزب اما به هر حال ما از تحزب دفاع می کنیم و آن را نشانه ی بلوغ سیاسی می دانیم. اگر اصراری از طرف ما بر عدم ایجاد ارتباط تشکیلاتی بین فعالان چپ داخل و گروه های چپ خارج از کشور صورت می گیرد در درجه ی اول بنا به دلایل امنیتی و در مرحله ی بعدی به این دلیل است که فکر می کنیم در شرایط فعلی نباید منافع و مصالح جنبش چپ را

محدود به منافع و مصالح حزبی کرد چرا که گروهی را نیافته ایم که ساختارها و فعالیتهایش کل مسائل مطرح چپ را در بر بگیرد. در حال حاضر شرایط به گونه ای پیش می رود که بسط و گسترش جنبش چپ از طرق علنی و حتی شبهه قانونی!!! ممکن تر و در دسترس تر از متوسل شدن به کارهای غیر علنی است. باید از شرایط حاضر نهایت استفاده را برد. اما سوالهای دیگر و مباحث دیگر؛ آیا قرار است که به خاطر آنکه در دهه های گذشته از کشته های چپ پشته ساختند ما تا ابد سر گرم نفرین این و آفرین آن باشیم؟ آیا به واقع تنها عامل نشانگر بلوغ فکری و عملی یک فعال چپ ، انجام کار مخفی است؟ آیا باید چنان به تقدیس گذشته پرداخت که اشتباهات را ندید و به جای آنکه خود به نقد بی رحمانه ی خود بپردازیم و کور کورانه از اشتباهات دفاع کنیم؟ آیا روشهای علنی بدون پشتوانه ی کار غیر علنی و روشهای غیر علنی بدون پشتوانه کار علنی می تواند جنبش چپ را به جلو ببرد و آن را به نتیجه برساند؟ آیا در حال حاضر یکی از بزرگترین مشکلات جنبش چپ این نیست که افرادی می کوشند تا کارهای علنی را به صورت غیر علنی و کارهای غیر علنی را به صورت علنی انجام دهند؟ آیا در حال حاضر انجام کارهای علنی به ضرر جنبش چپ در ایران است؟ آیا در حال حاضر نوشته ها و فعالیتهای نسل جدید چپ تبلیغ و ترویج کار علنی است و تشویق فعالان غیر علنی به کار علنی است؟ در گذشته چاپ مجلات چپ با مجوز رسمی در دانشگاه یک چپ روی کودکانه محسوب شده و دست اندر کاران چاپ نشریات چپ در دانشگاه عوامل امنیتی معرفی می گردیدند. در گذشته وبلاگ نویسی یک چپ روی کودکانه محسوب شده و وبلاگ نویسان چپ حقوق بگیران نیروهای امنیتی معرفی می شدند و اعلام می شد که قصد دارند از طریق گسترش دامنه ی فعالیتهای چپ در اینترنت، نیروهای رژیم را در رسیدن به یک تحلیل جامع از

وضعیت و مباحث مطرح در جنبش چپ یاری کنند . در گذشته هر گونه تلاش برای ارتباط با فعالان چپ [حتی فعالان کاملاً علنی] یک چپ روی کودکانه محسوب شده و فردی که به هر منظور قصد ارتباط گیری داشت عامل امنیتی معرفی می شد. در گذشته نوجوانانی که ریشه های پریشان و یا سبیلهای بلند داشتند و کتاب سرودهای کوهستان را مانند کتاب دعار در جیب پالتوهای عهد عتیق خود حمل می کردند و از کل تفکر و تاریخ چپ چریکهای مسلح را می دیدند و با انتخاب اسمی مستعار و ادای یک کوهنورد حرفه ای را در آوردن و لباسهای کهنه پوشیدن به ارضای خود می پرداختند، حتی نفس کشیدن کسانی را که در پی پرداختن به کارهای جدی و آموختنهای ریشه ای بودند را نیز یک چپ روی کودکانه محسوب کرده و فوراً شخص دگراندیش را عامل رژیم معرفی می کردند. در گذشته عده ای از تفکرات چپ آئینهای فرارزمینی و از گروه ها و نامها امامزاده ساخته بودند و کافران بر این آئین و هتک حرمت کنندگان این امامزاده را ... اما اکنون با برداشته شدن گامهای رو به جلو حتی کسانی که به « مخفی بازی » و اتهام زنی به این و آن مشغول هستند هم از روشهایی که در گذشته بکارگیری آنها چپ روی کودکانه و .. تلقی می شد برای اعلام و پخش امیال کودکانه ی خود استفاده می کنند. فعالین پیشرو و پیشگام همواره آماج تخریبها و اتهامات متعصبین و بی عملان قرار داشته و دارند. در گذشته مسائل زیادی وجود داشت که اکنون دیگر وجود ندارد. افکاری که که به مدد تیرک اعدام و تبعید و زندان و ... چند صباحی تنها در کنجهای خلوت محافل امن با ترس و لرز بر زبان جاری می شد اکنون علناً فریاد کشیده می شود. گذشتگانی که جز کشته و خون و زندگیهایی بر باد رفته پیبوندی با چپ نداشتند اکنون پر تشویش و نگران به نسل جوان چشم دوخته اند و برای بالندگی این نسل تلاش می کنند. ما دغدغه های آنان را درک می کنیم. ما تمام نگرانیها ، امیدها و نا امیدي آنها را درک می کنیم. آنها حق دارند که مدام بر ما

خرده گیرند اما ما از آنها تنها امیدهایشان را می خواهیم و تجربیات موفقشان را. آنها حق ندارند که از ما بخواهند تجربیاتی را دوباره ببازمانیم که پیشاپیش از شکست آنها اطمینان داریم.

ما معتقدیم که فعالیت مخفی و علنی لازم و ملزوم یکدیگرند. امکان ندارد که تنها با توسل جستن به یکی از این دو روش به پیروزی و حتی موفقیت‌هایی دست یافت. تجسم کوه یخ شناور در آب بهترین تجسم ممکن در این زمینه است. یک مجموعه ی پیوسته و مرتبط که قسمت بزرگتری از آن در زیر آب و خارج از دید و دسترس قرار دارد و قسمتی از آن هم بیرون از آب در معرض دید است. این دو قسمت بدون ارتباط با یکدیگر تنها کوچک و کوچکتر شده و تحلیل خواهند رفت. چپ باید همزمان به هر دو قسمت توجه کرده و به هر دو نوع کار بپردازد. هنر اصلی آن است که بتوان سیستمی برای ارتباط قسمتهای مخفی و غیر مخفی جنبش طراحی و پیاده کرد. نه باید اجازه داد که فعالیت‌های علنی عامل تسهیل شناسایی و شکار فعالان غیر علنی شود و جنبش را در یک سری از قوانین نانوشته ی تحمیل شده از فضای کار علنی محدود و زمین گیر شود و نباید اجازه داد که فعالیت‌های غیر علنی عامل جدایی هر چه بیشتر جنبش از طبقه ی کارگر و زحمتکش و مردم شود. نباید اجازه داد که فرورفتن صرف در کارهای غیر علنی چشمها و گوشها را از درک واقعیت‌های جاری در اجتماع ناتوان کند.

از نظر ما کار مخفی باید با طرح و برنامه و معطوف به هدف‌های واقعی و جدی باشد. ما اجازه نخواهیم داد که هر کس شعار کار مخفی را سرپوشی قرار دهد بر بی عملی و ضعف و ناتوانی خود. ما هر روز با این نوع افراد سر و کار داریم. این افراد بزرگترین معضل جنبش چپ هستند. آنها مثل خوره به جان فعالین علنی و غیر علنی افتاده اند. آنها پیگیرانه می کوشند که تمام فعالیت‌ها و تجربیات بزرگ گذشته را به رفتارهای کودکانه و ابلهانه ی خود تقلیل دهند. ما لحظه ای از مبارزه با این تفکرات انحرافی و عقب مانده دست بر نخواهیم داشت.

ما قبول داریم که کار علنی در بسیاری از موارد به زیرکی و تیز بینی بالایی احتیاج دارد. ما قبول داریم که انجام کار علنی همچون راه رفتن بر لبه ی تیغ است. هر آن امکان لغزش به طرفین راه وجود دارد. بیش از هر چیز فعالان علنی به امنیت فعالان مخفی مرتبط با خود می اندیشند. این بزرگترین دغدغه و تشویش ماست اما تنها دغدغه و نگرانی ما نیست. لغزش دیگری که هر لحظه خطر آن را احساس می کنیم این است که مبادا صحبت‌ها و مانورهای ما در فضای علنی باعث ایجاد تفرقه، تردید و یا انحراف در افکار و روشها و هدفها شود. ما از هر راهنمایی و راهکاری برای حل این دو مشکل و این دو خطر به گرمی استقبال می کنیم. اما بر این نکته تاکید می کنیم که این راهکارها باید برای اجرا در سال ۱۳۸۵ در ایران طراحی شده باشد. از تاریخ برای درس آموزی استفاده کنید اما هرگز ما را به زمانهای دور دست و مکانهای دور حواله ندهید. ما دین، مذهب، ملیت، نژاد، فرهنگ و ... ابزار برای بازتولید نظام پوسیده ی جهان در حال حاضر می دانیم. به ما انگ ملی گرای و داشتن رگه های ناسیونالیستی نزنید. ما هرگز تن به قبول هیچ نظمی از نظام موجود نمی دهیم. هدفها مشخص است. تضادها بنیادی مشخص است. مخاطبان ما مشخص هستند اما برای اتخاذ تاکتیکها و اجرای طرحها مجبور به تجزیه و تحلیل شرایط مکانی و زمانی موجود هستیم.

نیروهای اطلاعاتی ایران به هیچ وجه از پیچیدگی بالایی برخوردار نیستند. روشهای پلیسی در ایران به کلنگی ترین و جاهلانه ترین روش ممکن انجام می گیرد. انفرادی، بی خوابی، تهدید خانواده، اخراج از محیط کار و تحصیل و ..، اقرار گیری در زیر فشار و شکنجه، تفرقه افکنی، استفاده گسترده از خبر چینی، اجبار فعالان سیاسی و کارگری به خود سانسوری و ... اصولا هنگامی که نیروهای امنیتی کشوری به جای کشف واقعیتها در تلاش برای نابود کردن هستی مخالفان خود هستند و می کوشند سناریوها و حرفهای ساخته ی ذهن خود را از زبان مبارزان بیرون بکشند نمی توان عمقی برای آنها در نظر گرفت. با

اندکی هوشیاری و در نظر گرفتن پاره ای مسائل در هنگام فعالیت به راحتی می توان مقداری زیادی از ضربات آتی را خنثی کرد. این مترسک زشت و هول انگیز پوشالیست. اگر موفقیتی برای روشهای این چینی قائل هستید توجه داشته باشید که به دلیل آن است که فعالیتها در ایران بیشتر قائم به افراد است. فعالیت سیاسی و اجتماعی را باید همگانی کرد. نباید اجازه داد با خفه کردن یک نفر صدای یک تفکر خاموش شود. کسانی که کار علنی می کنند در شرایط حاضر شاید مهمترین وظیفه اشان مشغول کردن آن اذهان ساده و غیر پیچیده به خود است. به جای ترس و سرخوردگی باید امیدی هوشمندانه در رگهای جنبش دمیده شود.

اعتصاب کارگری عملی علنی است. تضاهرات یک عمل علنی است. وبلاگ نویسی، مقاله نویسی، سخنرانی یک کار علنی است. تلاش برای به دست آوردن حق تشکیل تشکلهای آزاد یک فعالیت علنی است. هیچ کس نمی تواند نپذیرد که کارگران و مردم به حرفها و طرحهای چهره های علنی و آشکار بیش از هویت‌های نا آشنا و غیر قابل دسترس اعتماد و توجه می کنند. نباید فراموش کرد که کسانی که فعالیت‌های کارگری، سیاسی، اجتماعی و دانشجویی آشکار و گسترده ای داشته اند هرگز مهره های مناسبی برای انجام کار مخفی نیستند. کسانی که تجربه ی دوره های بازجویی و زندان و ... داشته اند به هیچ وجه نباید با ورود به کارهای مخفی امنیت افراد را از بین ببرند. ما جبرا مجبور هستیم که آشکارا و علنا بر پیکره ی راست و وضعیت موجود بتازیم. شاید که ما اشتباه کنیم. شاید که ما مهره های مناسبی برای جلو بردن بخشهای علنی جنبش نباشیم و هزاران شاید و باید دیگر اما این وظیفه ی کل جنبش است که مهره های مورد نیاز و اطمینان خود را تربیت کند و جایگزین کسانی کند که باید کنار روند. با غر زندهای مداوم و فحاشیهای آن چنانی واقعیت‌های عینی تغییر نخواهند کرد. یا خود به میدان بیاوید و یا آنکه افراد مورد قبول خود را بسازید و روانه ی میدان کنید. این یک مبارزه ی طبقاتی تمام عیار و جبهه ای گسترده است که به اندازه ی

کافی سنگر خالی برای جنگیدن دارد. به جای بهانه گیری باید به مسائل پرداخت که زمین مانده اند. امروز به جای آنکه ما نیازمند افراد به خیال خود مخفی باشیم که در حال آموزش ساخت بمبهای آتشزا و حرکات آکروباتیک!!! هستند نیازمند کسانی هستیم که به کارگران ما اعتصاب و مبارزه های اولیه را بیاموزند. ما نیازمند کسانی هستیم که به داخل جمعهای کارگری بروند و حرفها، افکار و ... آنان را به مبارزان حرفه ای و تنوری پردازان انتقال دهند. و البته این انتقال و جابجایی افکار باید کاملا دو طرفه باشد. آگاهی! در حال حاضر این وظیفه ی اصلی ماست. خشونتها مقطعی بی برنامه باید کنار گذاشته شود. یک فهر انقلابی جمعی! هنوز حزب پیشرویی به وجود نیامده است که نیاز به ایجاد هسته های مسلحانه ی زیر شاخه ی آن باشد. هنوز حتی یک انسجام نیم بند ولی گسترده ی کارگری هم وجود ندارد. چیزی را حاضر و آماده به ما تحویل نخواهند داد. این ما هستیم که باید برای حاضر کردن بسیاری از نیازها تلاش کنیم بدون اینکه توقع داشته باشیم این تلاشها [حتما] در زمان خود ما به ثمر نشیند.

فرصتی برای پرداختن به حاشیه ها و اصلاح بیماران لاعلاج! نیست. کودکان بهانه گیری که از دید کودکانه ی خود هر حرکت جدی و هر عملی خارج از چهارچوبهای محافل تاریک و کپک زده خود را انحراف، چپ روی کودکانه، حرکات التقاطی و ... می خوانند و کاری به جز زمین گیر کردن جنبش و ایجاد تفرقه و درگیری ندارند باید با برخوردی قاطعانه از ادامه ی کارشکنی هایشان جلوگیری شود. تنها وقتی می توان سنگرهای دشمن را فتح کرد که درون سنگر خودی امن و مطمئن باشد. این حرفهای گوشه ای بود از حقایقی که توقع می رفت توسط منتقدان در نظر گرفته شده و درک شود. بیش از این جایی برای باز کردن مطلب وجود ندارد مگر آنکه برای صحبتها گوشههایی شنوا و مطمئن وجود داشته باشد. بیش از این ما قصد باز کردن تمامی مسائل را در فضای علنی نداریم.

عابد توانچه

مقایسه جنبش دانشجویی ایران و یونان

استفاده از تجربیات مبارزات دانشجویی و کارگری دیگر کشورها در جنبش های داخل ایران تاثیر بسزایی خواهد داشت. امروزه با استفاده از سایت های اینترنتی و وب لاگ ها اخبار مبارزات و نتایج آنها در تمام نقاط جهانی به راحتی برای تحلیل و آموختن درس ها و نکات مثبت منفی آنان در اختیار فعالین داخل کشور قرار دارد. علاوه بر آن فعالین جنبش های دانشجویی و کارگری داخل می توانند به راحتی با جنبش های دیگر تماس برقرار کرده و به تبادل تجربیات و آگاهی بپردازند. بدین صورت اشتباهات جنبش ها در کشور های دیگر تکرار نخواهد شد و روش های موفقیت آمیز مورد استفاده آنان قرار می گیرد. شکست ها و پیروزی ها در یک کشور نه تنها در تجربه و آگاهی فعالین آن کشور، بلکه بر آگاهی و بیداری فعالین جنبش دیگر کشورها تاثیر خواهد داشت. وجود ارتباطات اینچنینی از تکرار اشتباهات جلوگیری می کند و زمینه را برای اتحاد عمل های بین المللی در راستای خواسته های دانشجویی و کارگری به همراه خواهد داشت. نتیجتا فعالین دانشجویی در ایران باید به مطالعه و پیگیری اخبار مبارزات دانشجویی در دیگر کشورها پرداخته و با رهبران این جنبش ها برای تبادل تجربیات و آگاهی ارتباط برقرار کنند تا از تکرار اشتباهات و وارد آمدن خسارات به جنبش داخلی کشور خود و دیگر جنبش ها جلوگیری کنند. با مقایسه مبارزات دانشجویان در ایران و کشورهای پیشرو می توان به تجربیات زیادی دست یافت و آنچه برای حرکت به پیش نیاز است را از میان این تجربیات و روش ها جست. مبارزات دانشجویی یونان نمونه مناسبی برای مطالعه و مقایسه نقاط قوت آن نسبت به جنبش دانشجویی ایران است.

یونان:

طی سه سال گذشته یونان شاهد چندین اعتصاب سراسری و تظاهرات دانشجویی-کارگری در مخالفت با طرح دولت برای خصوصی سازی دانشگاه ها بوده است. در این جنبش دو نکته مهم و قابل ذکر است یک نکته قوت آموختن و استفاده از آن و دیگری نقطه ضعفی که باید با آن مقابله کرد.

الف) اتحاد دانشجو و کارگر:

اعتراضات اخیر در برابر موج جدید خصوصی سازی دانشگاه ها در یونان با اتحاد جنبش دانشجویی و کارگری همراه بود که به بالا رفتن قدرت جنبش و عقب نشینی دولت در بعضی موارد منتهی شد. دانشجویان در چند اعتصاب کارگری شرکت موثر داشتند و چند تن از رهبران کارگری در یک اعتصاب دانشجویی به رهبری کمک شایانی کردند. این اتحاد با تبادل تجربه کارگران و دانش دانشجویان همراه بود و از بروز اشتباهات جلوگیری می کرد. کارگری که چندین اعتصاب بزرگ را پشت سر گذاشته از تجربه بالایی بر خوردار است و این تجربه در کنار آگاهی دانشجویان اعتصاب سراسری، با هدف های سازماندهی شده مشترک و پیگیر را به همراه خواهد داشت. اتحاد دانشجو کارگر مهمترین مشخصه جنبش مبارزه با موج خصوصی سازی است و عامل اصلی موفقیت ها و پیگیری مبارزه است که باید توسط دانشجویان ایرانی الگو برداری شود.

ب) آغاز مجدد مبارزه مسلحانه:

به تازگی مبارزه مسلحانه با حکومت با تاسیس سازمان "نبرد انقلابی"، اقدام به ترور مقامات و حمله به سفارت آمریکا در آتن مجددا شکل گرفته که با اقدامات تروریستی خود نه تنها در کسب خواسته ها به جنبش دانشجویی- کارگری کمکی نکرده بلکه بهانه ی لازم برای تشدید فشار های امنیتی و اطلاعاتی علیه مبارزین را در اختیار دولت قرار داده است.

در ایران هم پس از پایان مبارزه مسلحانه پیش از انقلاب و چند سالی پس از انقلاب ۱۳۵۷، با انتشار نشریه "چه" با خط مشی چریکی در صورت

انقلاب مداوم در ایران

پیشگفتار رفیق مازیار رازی به
کتاب انقلاب مداوم اثر لئون
تروتسکی

همواره با بحران ساختاری مواجه است. برخلاف سرمایه داری غرب که سیکل های متناوب اقتصادی (شکوفایی، افت، رکود و غیره) مشاهده می شود، در کشورهای نظیر ایران همواره، پس از رشد اقتصادی محدود و غیرمولد، «رکورد» اقتصادی به وقوع می پیوندد. رکود، یکی از وجوه مشخصه ی سرمایه داری در ایران است. بورژوازی به هر شکل آن در ایران؛ حامل بحران ساختاری اقتصادی است. در نتیجه هر نوعی از حکومت های بورژوایی، مجبور به استقرار نظام سرکوب و اختناق خواهد شد. در عصر سرمایه داری پسین، بورژوازی (بومی، ملی، عمامه بسر، تاجدار یا کروات) همه ارتجاعی هستند. ارتجاعی به این مفهوم که به نیروی بازدارنده پیشرفت اقتصادی مبدل می گردند. تنها نیروهای انقلابی و مترقی اند، که از نظام سرمایه داری (ملی و بین المللی) گسست کنند. کسانی که زیر لوای دفاع از «ملی گرایی» (استناد به مقالات ۱۸۴۴ کارل مارکس) همسوی با بورژوازی بومی را توجیه و تبلیغ می کنند، خود، خواسته و یا ناخواسته «در خدمت ارتجاع حاکم و امپریالیسم جهانی قرار می گیرند».

برخلاف نظریات «انقلاب دمکراتیک» (بخوانید انقلاب بورژوایی)، انقلاب آتی تنها حول خواست های دمکراتیک شکل نخواهد گرفت؛ که کارگران برای به چنگ آوردن خرده نانی از بورژوازی مجبور به مسکوت گذاشتن مطالبات محوری خود گردند. کارگران و زحمتکشان ایران همراه با متحدان واقعی خود (دهقانان فقیر، ملیت های تحت ستم و بخش های عمده ای از جوانان و زنان) مبارزات خود را پیرامون مطالبات دمکراتیک و ضد سرمایه داری، در راستای به رهبری گرفتن انقلاب برای انجام تکالیفی که مقابلشان است گام بر می دارند.

امروز، در واقع به غیر از تکالیف دمکراتیک (که بورژوازی قابلیت انجام آن را از دست داده است) تکالیف ضد سرمایه داری نیز در دستور روز قرار گرفته است (کنترل کارگری بر تولید و توزیع، اقتصاد با برنامه، تدارک مدیریت کارگری و غیره). بدیهی است

گسترش می تواند به جنبش کارگری و دانشجویی ضربه وارد کند. دانشجویان و فعالین کارگری باید به مبارزه نظری با طرفداران مشی مسلحانه و تروریستی بپردازند تا نمونه یونان تکرار نشود.

ایران:

جنبش دانشجویی در ایران هم فعالیت زیادی داشته و آکسیون هایی را روز های ۱۶ آذر، ۱۸ تیر، روز زن و روز کارگر و یا در مخالفت با عملکرد دولت و دستگیری ها بر پا کرده اما به دلیل نبود اتحاد عمل و اتحاد با کارگران و همچنین فرقه گرای این اعتراضات همه گیر نبوده و بیشتر به خرده کاری میماند. اکثرا در یک یا چند دانشگاه و یا دانشگاه های یک شهر بوده بر خلاف مبارزه در یونان اعتراضات سراسری، همگانی، پیگیر و متحد با کارگران پیشرو نبوده است. گرچه شاهد حمایت دانشجویان از اعتصاب شرکت واحد و مخالفت با دستگیری و اخراج کارگران عضو سندیکای اتوبوسرانی بوده ایم اما این ارتباط شکل دائمی و پیگیر به خود نگرفته و به اعتصاب سراسری و هماهنگ دانشجویان و کارگران منتهی نشده است.

چند پیشنهاد:

- ۱- اتحاد عمل دانشجویان با عقاید سیاسی و گرایشات مختلف
- ۲- مطالعه جنبش های دانشجویی دیگر جنبش ها و استفاده از تجربیات و درس گرفتن از شکست یا پیروزی آنان
- ۳- معرفی جنبش دانشجویی ایران به دیگر جنبش های جهان
- ۴- برقراری ارتباط دانشجویان با دانشجویان و فعالین جنبش ها در دیگر کشور ها و تبادل آگاهی و تجربه
- ۵- حضور فعال دانشجویان در اعتصاب های کارگری و همینطور حضور کارگران در اعتراضات دانشجویی و تبادل تجربیات آنان
- ۶- تشکیل کمیته های مخفی متشکل از رهبران جنبش دانشجویی و کارگری جهت برپایی اعتصاب و تظاهرات هماهنگ و سراسری

نیما چراغی

در آستانه تحولات نوین کارگری در ایران و سالگرد انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، مسئله ماهیت انقلاب کارگری آتی در دستور روز، کارگران سوسیالیست انقلابی قرار گرفته است. «محققان» بورژوا و خرده بورژوا قصد دارند که چنین وانمود کنند که گویا انقلاب آتی ایران به نوعی «انقلاب دمکراتیک» است. بدین مفهوم که تکالیف بورژوا دمکراتیک عقب افتاده تنها توسط طبقه بورژوا قابل حل است. اما واقعیت انقلاب آتی ایران خلاف نظرگاه های این «محققان» را نشان می دهد. انقلاب آتی ایران تنها می تواند یک انقلاب کارگری باشد. به عبارت دیگر انقلاب ایران یک انقلاب مداوم است. تداوم انقلاب به مفهوم حل تکالیف عقب افتاده «بورژوا دمکراتیک» و انجام تکالیف سوسیالیستی در ادغام با هم؛ به رهبری طبقه کارگر است.

انقلاب آتی ایران یک انقلاب مداوم است زیرا سرمایه داری ایران به علت ادغام در بازار جهانی سرمایه داری و شکل ویژه رشد سرمایه داری، قادر به پیشبرد نیروهای مولده نبوده، نیست و نخواهد بود. در ایران تولید وسایل تولیدی امکان پذیر نیست. اینکه بورژوازی در قدرت، «مستبد» باشد یا «دمکرات» تغییری در این وضعیت عینی نمی دهد. در بهترین حالت تولید وسایل مصرفی (کارخانه های کفش سازی، لوله آهن، سیمان و غیره) مانند زمان شاه به رشد غیر مؤثر و بحران زای خود ادامه خواهد داد - با این تفاوت بازگشت اقتصادی به سطح تولیدات اقتصادی نظام شاهنشاهی خود راه پسر مشقت و بلندی را برای بورژوازی ایران در بر خواهد داشت.

در نتیجه، رشد نیروهای مولده در ایران در چارچوب مناسبات سرمایه داری

که بدون سرنگونی سرمایه داری و لغو مالکیت خصوصی بر وسایل عمده ی تولیدی، زمینه لازم برای جهش تکنولوژیک، به وجود نخواهد آمد. بدون چنین جهشی، ایران هرگز صنعتی نخواهد شد و چهره «دمکراسی» را به خود نخواهد دید. به سخن دیگر، بدون الغای مالکیت خصوصی و بدون اقتصاد «با برنامه» صنعتی شدن جامعه عقب افتاده ای نظیر ایران غیرقابل تحقق است. تنها با برداشتن جهش تکنولوژیک، ایران قادر خواهد بود که سهمی از بازار جهانی را به خود اختصاص دهد. بدون چنین سهمی استفاده از تکنولوژی پیشرفته کارایی ندارد. اقتصاد ایران برای پیشرفت تکنولوژیک باید ابتدا از چنگال بازار تحمیلی توسط سرمایه داری جهانی خود را رها سازد.



در نتیجه، برای رهاسازی اقتصادی، باید تکالیف مرکبی انجام پذیرد: تکالیف لاینحل دمکراتیک (مسئله ارضی، ملی و دمکراسی و غیره) و همزمان با آن (بنا بر وضعیت مشخص) حل تکلیف ضد سرمایه داری (اقتصاد با برنامه، کنترل کارگری بر تولید و توزیع، و مدیریت کارگری و غیره). بنابراین مجموعه این تکالیف باید انجام پذیرند. بدون رفع کلیه این تضادها، هیچ یک از تضادها حل نمی گردند. و فقط طبقه کارگر در مقام حل این تکالیف مرکب قرار گرفته است. حتی چنانچه امروز آمادگی آن را نداشته باشد. ریشه نظری

و تئوریک این تحلیل در تز «انقلاب مداوم» لنون تروتسکی نهفته است. اساس تئوری انقلاب مداوم را تروتسکی یک سال پس از انقلاب ۱۹۰۵ روسیه در جزوه «نتایج و چشم اندازها» در زندان تزار تدوین کرد. پایه این تئوری که با نگرش مارکسیستی با ویژگی های روسیه ی عقب افتاده و تجربیات انقلاب ۱۹۰۵ منطبق بود؛ تدوین شد. تروتسکی متکی بر این نظریه ماهیت سوسیالیستی انقلاب آینده روسیه را ترسیم کرد. طبق این نظریه گسترش ناموزون و مرکب تاریخی امکان می داد که انقلاب سوسیالیستی در کشور عقب افتاده ای مانند روسیه زودتر از کشورهای صنعتی آغاز شود. در اوائل قرن بیستم با ظهور جنبش کارگری و سوسیالیستی در روسیه، بحثی در میان مارکسیست ها و انقلابیون آن کشور در باره ی ماهیت انقلاب در روسیه در گرفت. دو اثر اساسی که در این مورد نوشته شده است یکی «دو تاکتیک سوسیال دمکراسی در انقلاب دمکراتیک» اثر لنین و دیگری «نتایج و چشم اندازها» اثر لنون تروتسکی است که در این دو کتاب چشم انداز انقلاب در روسیه از طرف لنین و تروتسکی ارائه شده است. علاوه بر این، اقلیتی در سوسیال دمکراسی روسیه که به «منشویک ها» شهرت داشتند، نیز موضع سومی اتخاذ کرده بودند که با مواضع لنین و تروتسکی تفاوت اساسی داشت. تروتسکی در «نتایج و چشم اندازها» تئوری معروف خود را که به «انقلاب مداوم» شهرت یافته ارائه داد. هنگام بروز انقلاب- که بزرگترین محک هر تئوری است- در سال ۱۹۱۷، لنین و تروتسکی عملاً به موضعی مشابه که توسط تئوری انقلاب مداوم از قبل توضیح داده شده بود، دست یافتند و منشویک ها به ائتلاف با سرمایه داران و مخالفت با ایجاد یک دولت کارگری پرداختند. بدین ترتیب با موفقیت سیاست بلشویک ها یعنی مبارزه مستقل از احزاب بورژوا و خرده بورژوا که در انقلاب اکتبر به نمایش گذاشته شد، تئوری انقلاب مداوم به عنوان یک راهنمای عمل استراتژیک، به یکی از

دست آوردهای نهضت سوسیالیسم انقلابی جهانی مبدل شد. انقلاب فوریه ۱۹۱۷ و سپس انقلاب اکتبر کلیه بحث های گذشته ما بین لنین و تروتسکی را به آرشیو بحث های سوسیال دموکراسی سپردند. به جای بحث ها و اختلافات گذشته، اکنون لنین و تروتسکی در رهبری حزب بلشویک، انقلاب پیروزمند اکتبر را رهبری کرده بودند، بحث ها و پیشنهادات جدید برای پاسخگویی به نیازهای انقلاب پیروزمند روسیه و گسترش انقلاب سوسیالیستی به سایر کشورها، صورت می گرفت. ولی پس از مرگ لنین، در دوران خیزش موج ارتجاع علیه انقلاب اکتبر، هنگامی که بورکراسی استالینیستی در اتحاد شوروی و در حزب بلشویک به رهبری استالین پا به عرصه وجود گذاشت و در صدد تحکیم خود بود، این بورکراسی برای انتقاد از جناح انقلابی به رهبری تروتسکی، کلیه آرشیوهای خاک خورده را بیرون کشید تا ثابت کند که لنین همواره مخالف تروتسکی بوده است! علاوه بر آن باره درس های اساسی انقلاب اکتبر که صحت تئوری انقلاب مداوم را به بهترین وجه در عمل به اثبات رسانیده بود، راه را برای تجدید نظرطلبی خود و سپس خیانت آشکار به انقلاب در کشورهای دیگر هموار ساخت. بدین ترتیب بوروکراسی برای تثبیت و تحکیم خود، کلیه نظرات و تئوری های انقلابی را زیر باد حملات گرفت.

کتاب حاضر پاسخی است که تروتسکی به یکی از این انتقادات در باره ی تئوری انقلاب مداوم داده است. پاسخ تروتسکی به یکی از نوشتجات کارل رادک است که خود زمانی در اپوزیسیون چپ در اتحاد با تروتسکی علیه استالین و یارانش مبارزه می کرد. ولی پس از تبعید تروتسکی، رادک تسلیم سیاست های استالین شد و در شرایط خفقان استالینیستی برای خشنودی استالین، نقدی بر «انقلاب مداوم» نوشت. با این وجود رادک نیز سرانجام قربانی ارتجاع استالینیستی شد و در زندان های استالین در گذشت.

مازیار رازی

شبکه همبستگی کارگری

حمایت های بین المللی از
منصور اسالو



در پی آغاز محاکمه منصور اسالو در دادگاه فرمایشی نظام ارتجاعی جمهوری اسلامی، شبکه همبستگی کارگری اقدام به جمع آوری حمایت های بین المللی نموده است که این حمایت ها، تا کنون در قالب سه اطلاعیه از طرف شبکه همبستگی کارگری و کمیته اقدام کارگری (ایران) منتشر شده اند.

در اطلاعیه شماره یک که در تاریخ ۷ اسفند انتشار یافت، جمعی از فعالان کارگری بریتانیا و کانادا با نوشتن نامه ای سرگشاده خواستار هرگونه رفع اتهام از منصور اسالو رهبر سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه شده اند. در اطلاعیه شماره دو (منتشره در ۸ اسفند) فعالین جنبش های کارگری و سوسیالیستی ایتالیا، ونزوئلا و پاکستان در اقدامی مشابه با بریتانیایی ها و کانادایی ها، در نامه ای سرگشاده خواستار رفع اتهام از اسالو شده اند.

در اطلاعیه شماره سه (انتشار یافته در تاریخ ۹ اسفند) نیز، فعالین جنبش کارگر مکزیک و اتریش به مانند اطلاعیه های قبلی خواستار رفع اتهام از منصور اسالو شده اند.

متن نامه های سرگشاده و اسامی حمایت کنندگان را می توانید در وب سایت شبکه همبستگی کارگری و وبلاگ کمیته اقدام کارگری کارگری (ایران) مشاهده کنید.

شبکه همبستگی کارگری:

<http://iwsn.org>

کمیته اقدام کارگری (ایران):

<http://kargari.blogfa.com>

اطلاعیه اعلام موجودیت «شورای همکاری تشکله و فعالین کارگری»

در راستای پاسخگویی به یکی از اساسی ترین و مبرم ترین نیازهای جنبش کارگری، در رابطه با امر وحدت طبقه کارگر، و به سهم خویش، کمک به ایجاد ارتباط و هماهنگی بیشتر میان بخش ها و سطوح مختلف جنبش کارگری و تحركات و اعتراضات جاری کارگران، و همچنین برقراری ارتباطی نزدیک تر و در عین حال گسترده تر میان فعالین و پیشروان جنبش اجتماعی طبقه کارگر، در جای جای کشور پهناور ایران و... تشکل ها و فعالین کارگری و دانشجویی امضا کننده این اطلاعیه، پس از چند نشست مقدماتی و تشریح مساعی لازم در این زمینه، که شرح مختصر آن به اطلاع جنبش کارگری رسیده است، در نهایت تصمیم گرفتند تا در جلسه مورخه ۱۳۸۵/۱۱/۲۷، در محیطی صمیمی، «شورای همکاری تشکل ها و فعالین کارگری» را با هدف اتحاد عمل داوطلبانه و آزاد، حول مسائل و مطالبات ملموس، موردی و مشخص کارگری تشکیل داده، بر این اساس به همکاری بپردازند.

لازم به یادآوری است که «شورای همکاری تشکل ها و فعالین کارگری» شمن اعلام موجودیت و آغاز به همکاری و فعالیت، همچنان از سایر تشکل ها و فعالین کارگری و نمایندگان واقعی و دلسوز آنان می خواهد تا با پیوستن به این «شورا» و حمایت از این قبیل همکاری ها و اتحاد عمل ها، جنبش کارگری را در ایجاد ارتباط و هماهنگی بیشتر، جهت مقابله با مشکلات و معضلات پیش رو، و کسب حقوق و مطالبات بر حق و انسانی خویش، یاری دهند.

باشد که اینگونه همکاری ها و تشریح مساعی ها خود زمینه و بستری باشند، برای از میان برداشتن و زدودن تفرقه و پراکندگی موجود در جنبش کارگری، و برقراری اتحاد و همبستگی طبقاتی در میان کارگران، برای به کرسی

نشاندن خواستها و مطالبات کارگری، و احقاق حقوق کامل آنان، تا رهایی از منجلا و فلاکت موجود.

کمیته هماهنگی برای...، کمیته پیگیری...، انجمن فرهنگی-حمایتی کارگران، جمعی از دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب دانشجویان ایران، جمعی از فعالین کارگری، گروهی از نویسندگان جنبش کارگری

shorayehamkari@gmail.com

جوان سوسیالیست



نشریه
اتحادیه جوانان
سوسیالیست انقلابی
ایران

<http://www.javaan.blogfa.com>

<http://www.javaan.net>

javan1378@hotmail.com

شماره ۳۴

اسفند ۱۳۸۵